

اگر نبخشید، منتظر بخشش خدا نباشید

علیرضا وکیل‌ا ماه رجب، فصل شست‌وشوی جان در نهر استغفار است؛ اما قرآن کریم رازی را فاش می‌کند که نشان می‌دهد استغفار، تنها یک جابه‌جایی ساده تسبیح نیست. یک «شرط روان‌شناختی» برای دریافت رحمت الهی پیش پای ما می‌گذارد: بخشش زمینی.

کلید بخشش آسمانی است. «...وَلْيَغْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَ... غُفُورٌ رَحِيمٌ» و آن‌ها باید عفو کنند و چشم ببوشند؛ آیا دوست نمی‌دارید خداوند شما را ببخشد؟ و خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است.

خداوند در این آیه با لحنی عاطفی و تکان‌دهنده می‌پرسد: «آیا دوست ندارید خدا شما را ببخشد؟». این یک پیام روشن دارد: اگر طالب اقیانوس بی‌کران رحمت الهی هستی، نباید در جویبار کوچک کینه‌های شخصی متوقف شوی. در حقیقت، «کینه» مانند سدی است که اجازه نمی‌دهد رود غفران رجب به‌کوبر دل ما برسد. کسی که دریچه قلبش را روی خطای دیگران می‌بندد، ناخودآگاه مسیر بخشایش خود را مسدود کرده‌است.

کسی که دیگران را نمی‌بخشد، مانند کوه‌نوردی است که کوله‌پشتی‌اش را از سنگ‌های سنگین کینه، پُر کرده و انتظار دارد به قله کمال برسد. بخشش، پیش از آنکه خدمتی به دیگران باشد، «سبک‌بال کردن خود» است. کینه مانند اسیدی است که پیش از آنکه به مقصد برسد، ظرف خود را نابود می‌کند.

حافظ شیرین‌سخن چه زیبا این ضرورت مدارا را ترسیم می‌کند: آسایش دوگیتی، تفسیر این دو حرف است/ با دوستان مروت، با دشمنان مدارا. بیایید در ماه رجب، به جای شعله‌ورکردن آتش «انتقام»، هنر «گذشت» را یاد بگیریم تا خداوند نیز در روز حساب، با ما معامله‌گذاشت کند.

حکمت

کلید گشایش درهای رحمت

وکیل‌ا ماه رجب، ماه شست‌وشوی جان از غبار گناه است. نخستین قدم برای ورود به ساحت رحمت الهی، «پذیرش خطا» است. تا انسان بیماری‌اش را ندید، به‌دنبال طبیب نمی‌رود. امام‌سجاد^(ع) در دعای دوازدهم صحیفه سجادیه، زیباترین الگوی بازگشت و اعتراف عاشقانه را به ما می‌آموزد.

امام زین‌العابدین^(ع) در آغاز این دعا، با ادبیاتی سرشار از امید و حیا، خطاب به خداوند عرضه می‌دارند: «اللَّهُمَّ إِنَّهُ يَخْبِي عَن مَسَائِكَ جَلَّالٌ قَلَّادٌ. وَتَعَذُّوْنِي عَلَيْهَا خَلَّةٌ وَاجِدَةٌ»؛ (بارخدا! ایا سه خصلت مرا از درخواست کردن از تو بازمی‌دارد، و [تنها] یک خصلت مرا به آن ترغیب می‌کند. حضرت در ادامه، این سه مانع (امر الهی که اطاعت نشده، نهی الهی که انجام شده، و نعمتی که شکرش به‌جا نیامده) را برمی‌شمارند. اما آن نقطه امیدبخش و ترغیب‌کننده را چنین معرفی می‌کنند: «وَتَعَذُّوْنِي عَلَى مَسَائِكَ تَفْضُلُكَ عَلَى عَن أَقْبَلُ يَوْجُهُ إِلَيْكَ، وَوَقَدْ بَخَسِنَ ظَنِّيهِ عَلَيْكَ، وَ» آنچه مرا به درخواست از تو برمی‌نگیزد، تفضل و احسان توست بر کسی که با تمام وجود به‌سوی تیروری آورده و با خوش‌گمانی بر تو وارد شده‌است.

تکیه‌گاه گنه‌کار، عمل او نیست؛ بلکه «فضل» خداوند است. «تفضل» یعنی عطای بدون استحقاق. امام^(ع) می‌آموزد که در ماه رجب، سرمایه ما اعمالمان نیستند، بلکه «حُسن ظن» و خوش‌گمانی ما به کرم خداست. این ادب بندگی است که انسان با اینکه شرم‌منده است، به‌خاطر شناختی که از بزرگواری میزبان دارد، ناامید برنمی‌گردد. ماه رجب، زمان روکردن (أَقْبَلُ يَوْجُهُ) و آمدن باگمان نیک به مهمانی خداست؛ به‌سراپرده قربت نبرد راه کسی/ مگر آن‌کس که تواز لطف، پناهش باشی

احکام

یک تیر و دو نشان

ابراهیمی| زمستان «بهار مؤمن» است؛ روزهایی کوتاه و هوایی خنک که سختی تشنگی و گرسنگی را از یاد می‌برد و بهترین فرصت را برای پرواز روح فراهم می‌کند. ماه رجب در دل این فصل، سفره‌ای از نور پهن کرده است. چه برای کسانی که دلتنگ روزه مستحبی‌اند و چه جاماندگانی که هنوز بدهکار روزه‌های قضای پارسال هستند، اکنون بهترین زمان برای جبران و کسب فیض است. در ادامه، سه نکته مهم شرعی را مرور می‌کنیم:



۱. رنگ خطر برای جاماندگان رمضان قبل

کسی که از ماه رمضان سال گذشته روزه قضا دارد، به نظر آیت‌... العظمی خامنه‌ای و اکثر مراجع، چنانچه توانایی روزه‌گرفتن دارد، باید تا قبل از ماه رمضان سال جدید، روزه قضای خودش را بگیرد و چنانچه کسی در سال اول روزه قضا را نگیرد، علاوه بر لزوم قضای روزه در سال‌های بعد، باید به‌ازای هر روز ۷۵۰ گرم نان یا برنج و مانند این‌ها به فقیر بدهد. (امام، رهبری، کلیات فقهی، ج۱، فصل ۱۵۵۳، ص ۱۵۸ و رساله آموزشی رهبری، احکام روزه قضا، م ۶)

۲. تا کی می‌توان نیت کرد؟

وقت نیت روزه قضا تا قبل از اذان ظهر است و در روزه مستحبی تا قبل از اذان مغرب، به شرط اینکه تا آن موقع مبطلات روزه را انجام نداده باشد؛ مثلاً چیزی نخورده باشد.

۳. خوردن و آشامیدن از روی فراموشی

اگر انسان عمداً و از روی اختیار، کاری که روزه را باطل می‌کند مثل خوردن و آشامیدن انجام دهد، روزه را باطل می‌کند و اگر به‌سبب فراموشی و غفلت باشد، روزه باطل نمی‌شود. و در این حکم، فرقی بین روزه ادا، قضا، واجب و مستحب نیست. (رساله مراجع، مسئله ۱۵۷۵، ۱۵۵۳، ۱۵۶۵، عروه الوثقی، کتاب الصوم، فصل فی التیة، م ۱۱).

چگونه ماه رجب را به فرصتی برای آرامش، همدلی و رشد معنوی خانواده تبدیل کنیم؟

ریسمانی برای نجات دل‌ها

فضاسازی محیط

محیط اطراف تأثیر مستقیمی بر روحیات ما دارد. با تغییرات کوچک در فضای خانه، می‌توان زمینه را برای پذیرش معنویت فراهم کرد؛ مثلاً یک تخته یا تقویم بزرگ در محل گذر خانواده (مثل آشپزخانه) نصب کنید و اعمال مهم هر روز، مانند روزه‌های مستحب یا دعا‌های ویژه را با نمادهای ساده، مشخص و رنگ‌آمیزی کنید. یا یک قفسه یا گوشه‌ای از اتاق نشیمن را به‌عنوان «گوشه ماه رجب» اختصاص دهید. روی میزی، یک جلد قرآن، کتاب‌های دعا مانند «مفاتیح الجنان» و یک گلدان گل طبیعی قرار دهید. این فضا، خودبه‌خود، افراد را به لحظاتی از توقف و آرامش دعوت می‌کند.

برنامه‌های عمل محور جمعی

هیچ چیز مانند عمل دسته جمعی، روحیه جمعی را تقویت نمی‌کند و خاطره نمی‌سازد. یک روز از هفته، مثلاً پنجشنبه را به‌عنوان «روزه خانوادگی» تعیین کنید. کودکان اگر نمی‌توانند کامل روزه بگیرند، می‌توانند تا ظهر همراهی کنند. افطاری جذابی دور از تجمل برای خانواده تدارک ببینید. اگر همه شرایط روزه‌گرفتن را ندارند، می‌توانید بعد از نمازهای واجب، همگی برای دو سه دقیقه دور هم بنشینید و دعای ماه رجب را با هم بخوانید. حضور کودکان در این حلقه، حتی اگر ساکت باشند، بسیار اثرگذار است.

حدیث قدسی:

ماه رجب را ریسمانی میان خود

و بندگانم قرار داده‌ام؛

هرکس به آن چنگ زند،

به وصال من رسد

گزارش

سمانه رضوانی| ماه رجب، فرصتی طلایی است تا حال‌وهوای خانه را از روتین روزمره به‌سمت آرامش و معنویت سوق دهیم. در این ماه، درهای رحمت الهی به روی همه گشوده می‌شود. خدا در حدیث قدسی، خطاب به ما می‌فرماید: «ماه رجب را ریسمانی میان خود و بندگانم قرار داده‌ام؛ هرکس به آن چنگ زند، به وصال من رسد». ماه رجب می‌تواند به نقطه عطفی در زندگی خانوادگی ما تبدیل شود؛ فصلی که در آن، نه‌تنها ثواب اعمال فردی، بلکه لذت باهم‌بودن در مسیر خدا، صفا و آرامش عمیقی را به کانون خانواده هدیه می‌دهد و خاطره‌ای می‌سازد که تا همیشه در یادها می‌ماند.

آگاهی بخشی جذاب

معنویت پایدار، ریشه در فهم و شناخت دارد. این شناخت را می‌توان با روش‌های غیرمستقیم و شیرین به اعضای خانواده به‌ویژه کودکان منتقل کرد. به‌طور مثال، بخشی از وقت تماشای تلویزیون را به مطالعه داستانی کوتاه از رفتار امامان در مواجهه با این ماه اختصاص دهید. داستان تولد امام باقر^(ع) یا امام صادق^(ع) در این ماه را با زبان ساده و جذاب روایت کنید. سوره‌های کوچک قرآن را به کودکان بیاموزید تا حفظ کنند و برای حفظ سوره، جایزه‌ای در نظر بگیرید.

جشنی برای کارهای خوب

اگر کودکان با شوق وارد این فضا شوند و بتوانند برای آن‌ها جذایات ایجاد کنید، آینده معنوی خانواده تضمین می‌شود؛ مثلاً یک جعبه تزئین شده را به‌عنوان صندوق «کارهای خوب» در نظر بگیرید. هر بار که کودک کار خوبی انجام می‌دهد یا بخشی از یک دعا را می‌خواند، یک برگه رنگی را امضا کنید یا خودش یک نقاشی بکشد و در جعبه بیندازد. در پایان ماه، با هم برگه‌ها را بشمارید و برای این همه خوبی جشن کوچکی بگیرید و هدیه‌ای هر چند کوچک برایش تهیه کنید.

گسترش معنویت به بیرون از خانه

معنویت واقعی، ما را از خود و خانه‌مان فراتر می‌برد و به دیگران پیوند می‌زند. لازم نیست که هبیتی چندصد نفری برگزار کنید؛ اگر به هر دلیلی، شرایط مالی یا مکان برگزاری مجالس بزرگ را ندارید، می‌توانید چند نفر از دوستان یا آشنایان را که ممکن است کمتر با فضای معنوی ماه رجب آشنا باشند، دعوت کنید تا در یک مراسم بسیار ساده افطاری در منزل شما شرکت کنند. پس از افطار، می‌توانید در حد پنج دقیقه، به‌سادگی درباره فضیلت این ماه صحبت کنید یا دسته جمعی، دعایی بسیار کوتاه بخوانید.

ماه رجب، فصل محاسبه نفس

خطبه نماز جمعه

جدی گرفته نشوند، می‌توانند در لحظه مواجهه با حقیقت، اضطراب‌آفرین شوند. این اضطراب، همان ترس از حساب الهی است؛ ترسی سازنده که انسان را به اصلاح و بازگشت فرا می‌خواند.

در این میان، دعا جایگاهی ویژه دارد. دعا صرف خواندن الفاظ نیست؛ سخن گفتن با خداست. وقتی انسان نداند چه می‌گوید و چه می‌خواهد، چگونه می‌تواند انتظار اثر داشته باشد؟ دعا‌های ماه رجب، سرشار از معارف توحیدی، اعتراف به فقر و ضعف بندگی و درخواست رحمت است. فهم این مضامین، پیش‌نیاز بهره‌مندی از این گنجینه‌هاست. خواندن دعا بدون درک معنا، ارتباط را سطحی می‌کند؛ اما فهمیدن دل را درگیر می‌سازد و پیوند را عمیق. ماه رجب، دعوی است به عبادت آگاهانه، به بازسازی درونی، به ترس مسئولانه از لغزش، و به محاسبه‌ای صادقانه با خود. فرصتی که اگر با فهم و توجه همراه شود، می‌تواند آغاز تحولی جدی در مسیر زندگی باشد.

برگفته از خطبه‌های نمازجمعه مشهد تنظیم: حجت‌الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

ناخوشایندی‌های ظاهری است. در مقابل، جهنم در دل لذت‌های بی‌حدومرز قرار دارد؛ جایی که انسان هرچه دلش خواست، انجام می‌دهد و هیچ قید و قانونی برای خود نمی‌شناسد. همین بی‌مرزی، نقطه سقوط است.

یکی از مصادیق روشن مجاهده با نفس، کنترل نگاه است؛ کاری که برای انسان آسان نیست و با تمایلات طبیعی او تعارض دارد. اما همین چشم‌پوشی، وقتی به نیت اطاعت انجام شود، ارزش و پاداشی عظیم دارد. این‌گونه تصمیم‌های کوچک اما آگاهانه، مسیر انسان را تغییر و او را در راه بهشت قرار می‌دهد.

ماه رجب، زمان محاسبه نفس است. پیش از آنکه حسایی در پیش باشد، انسان باید خود را به حساب بکشد؛ ببیند در کدام مسیر حرکت کرده و کجاها لغزیده است. حتی پرهیز از گناهان بزرگ، تضمین‌کننده آرامش نیست، اگر لغزش‌های کوچک، انباشته شده باشد. گناهان صغیره وقتی

خود را در معرض مؤاخذه قرار دهد. خداوند رحمان و رحیم است، اما در برابر نفاق، اصرار بر گناه و لجابت در خطا، جلوه قهاریت نیز آشکار می‌شود. اینجاست که ترس، معنا پیدا می‌کند؛ ترس از عاقبت رفتار خویش، نه ترس از خدا.

طغیان انسان، ناگهانی و با نیت مقابله با خدا آغاز نمی‌شود. هیچ گناهکاری، قدم اول را به قصد جنگ با پروردگار برنمی‌دارد. مسیر لغزش، غالباً از دل خوش‌گذرانی‌ها و پاسخ بی‌مهار به خواسته‌های نفسانی شروع می‌شود. شهوت، مزاجی آتشین دارد؛ هرچه بیشتر به آن پاسخ داده شود، شعله‌ورتر می‌شود و مهار آن دشوارتر. تا جایی که در برابر این مسیر، راهی دیگر نیز هست؛ راه مجاهده با نفس. گفته شده که بهشت در میان سختی‌ها و محدودیت‌ها پیچیده شده است. رسیدن به آن، نیازمند چشم‌پوشی از بسیاری از خواسته‌ها و تحمل

ماه رجب، فقط یک مقطع تقویمی نیست؛ آغازی است برای بیداری دوباره دل. فصلی که انسان را به مکث و بازگشت دعوت می‌کند؛ بازگشتی آگاهانه به‌سوی خدا. پیش از آنکه در عرصه حساب الهی قرار گیرد، این ماه، زمان عبادت صرف نیست؛ زمان فهم عبادت است. عبادتی که بدون آگاهی و درک، به عمق نمی‌رسد و اثر ماندگار نمی‌گذارد. در فرهنگ دینی، رجب ماه مناجات، تضرع و زاری به درگاه پروردگار معرفی شده‌است. اما این تضرع، از جنس ترس‌های معمول انسانی نیست. خداوند، سرچشمه رحمت و مهربانی است؛ مهربان‌تر از هر تصور و قیاسی. ترس از ذات خداوند معنا ندارد، زیرا در ذات او هیچ تهدید و زبانی نیست. آنچه انسان را به خشوع و لرزش دل می‌کشاند، ترس از ایستادن در موضع نافرمانی است؛ ترس از آنکه انسان در برابر فرمان الهی قرار گیرد و نتیجه انتخاب‌های خود را ببیند.

خشیتی که در متون دینی بر آن تأکید شده، ترس از «مقام پروردگار» است؛ ترسی آگاهانه که ریشه در شناخت دارد، نه وحشت. انسان از این می‌ترسد که مبادا مسیر طغیان و سرکشی را در پیش گیرد و

درسپهر پرهیزکاری